گزارش

عراق ۲۰۲۵ و زمینه رویارویی

ایران و ترامپ در بغداد

عراق یک دموکراسی در حال توسعه است، اما به واسطه موقعیتش که بین ایران، عربستان سعودی، ترکیه و سوریه قرار دارد، دائما تحت فشارهای بیرون از مرزهای خود است. هیل مدعی شد، فهرست چالش‌هایی که این کشور در سال ۲۰۲۴ با آن مواجه بود، از تهدیدات امنیتی مداوم، از جمله حملات به پایگاه‌های نظامی ایالات متحده توسط محور مقاومت تا تحولات سیاسی و بحث‌ها در مورد حضور نیروهای آمریکایی و شاید مهم‌تر از همه، بی‌ثباتی ناشی از جنگ غزه و فروپاشی دولت بشار اسد در سوریه متغیر بود.

چالش سودانی

از همین رو، محمد شیاع السودانی، نخست وزیر عراق برای مقابله با این چالش‌ها از واشنگتن برای امضای توافق‌نامه‌های اقتصادی و حمایت از تعاملات قوی‌تر میان عراق- ایالات متحده بازدید کرد، مشارکتی که فراتر از امنیت حرکت می‌کند و شامل انرژی، آموزش و سرمایه‌گذاری می‌شود. سودانی تلاش کرد تا مانع از ورود عراق به درگیری‌های منطقه‌ای شده و در عوض بر زیرساخت‌های داخلی و توسعه اقتصادی تمرکز کرد. به ادعای ناظران، درگیری‌های منطقه‌ای گسترده‌تر، به‌ویژه تنش‌های بین اسرائیل و ایران، افزایش بی‌ثباتی در منطقه، مقابله با چالش‌های مربوط به آوارگان و بازگرداندن آن‌ها از اردوگاه‌های سوری را برای دولت عراق دشوارتر ساخت. بغداد یک سرشماری سراسری را تکمیل کرد، اولین سرشماری در ۴۰ سال گذشته، که بر توزیع قدرت در نظام فرقه‌ای کشور تأثیر می‌گذارد و احتمالاً تنش‌های داخلی را افزایش می‌دهد. با لحاظ کردن گزاره‌های فوق، به نظر می‌رسد عراق در سال ۲۰۲۵ چندان آرام نباشد. به ادعای هیل، به رغم شکست گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه در سال ۲۰۱۹، بقایای این گروه و سایر شبه نظامیان همچنان تهدیداتی را ایجاد می‌کنند. همزمان در صورت عدم رسیدگی به نارضایتی‌های سیاسی و اقتصادی، احتمال تجدید حیات گروه‌های رادیکال وجود دارد. همزمان با تهدید گروه‌های تروریستی، امنیت مرزی و عملیات قاچاق نیز همچنان در اولویت قرار دارد. پایان برنامه‌ریزی شده ماموریت ائتلاف به رهبری ایالات متحده تا سپتامبر ۲۰۲۵، پویایی‌های امنیتی را تغییر داده و رویکرد امنیتی و سیاسی دوجانبه را تحت تاثیر قرار خواهد داد. به ادعای ناظران، چنین تغییری می‌تواند محیط امنیتی عراق را تثبیت یا پیچیده‌تر کند.

ترکش‌های جنگ انرژی

به ادعای هیل، اقتصاد عراق متکی به درآمدهای نفتی است که ۹۵ درصد از بودجه فدرال این کشور را تشکیل می‌دهد و بغداد را در معرض نوسانات بازار قرار داده است. عراق حدود ۳۵ درصد از صادرات خود را به چین می‌فروشد و این کشور را در برابر رکود اقتصادی چین و سیاست‌های ضدچینی واشنگتن آسیب پذیر می‌کند. پایان پلتفرم حراج دلار که معاملات ارزی را رصد می‌کرد و از انطباق با استانداردهای بین‌المللی اطمینان می‌داد، چشم انداز مالی را تغییر می‌دهد و به طور بالقوه منجر به افزایش فعالیت در بازار سیاه و چالش‌هایی در مدیریت ارز می‌شود. به‌رغم برخی آمارها در باب رشد اقتصادی، بخش‌های غیرنفتی با مشکل مواجه هستند و انتظار می‌رود تورم به دلیل فشارهای مالی و چالش‌های اقتصادی داخلی به ۳. ۵ درصد برسد. بغداد در تلاش خود برای تنوع بخشیدن به اقتصاد و کاهش فشار بر بودجه فدرال، قصد دارد بخش دولتی را به میزان ۱ تا ۲ درصد از بخش خصوصی در دهه آینده جدا کند. هزینه‌های بازسازی ناشی از جنگ علیه داعش بالغ بر ۸۸ میلیارد دلار خواهد بود و این هزینه در کنار هزینه‌های توسعه زیرساخت‌های جاری مانند پروژه جاده توسعه که غرب آسیا را از طریق ترکیه به اروپا متصل می‌کند، مبلغی قابل توجه است. عراق همچنین ممکن است با دولت آینده ترامپ که آشکارا طرفدار اسرائیل است و ممکن است این کشور را بخشی از حوزه نفوذ ایران بداند، درگیر تنش شود. ترامپ ممکن است اقدامات تنبیهی را اتخاذ کرده و به ثبات عراق آسیب برساند، تنش‌ها را افزایش داده و فعالیت‌های اقتصادی این بازیگر را کاهش دهد. اصلاحات سیاسی، کاهش نفوذ ایران و تحکیم اقتدار دولتی بر تسلیحات، از نظر ایالات متحده برای عراق جهت اثبات استقلال ادعایی خود ضروری است. این کشور در حال آماده شدن برای انتخابات پارلمانی در سال ۲۰۲۵ است و نتایج به طور بالقوه می‌تواند چشم‌انداز سیاسی را تغییر دهد. همچنین فشارهایی برای اصلاحات انتخاباتی برای تضمین نمایندگی بهتر و کاهش حاشیه‌نشینی احزاب سیاسی کوچک‌تر را اعمال کند. در این میان کردستان عراق که تحت کنترل دو جریان خانواده محور است نیز به نگرانی‌ها افزوده است. به ادعای هیل، نتایج سرشماری سال ۲۰۲۴ می‌تواند منجر به تنش‌های بیشتر بین بغداد و رهبران کرد شود که نگران از دست دادن نفوذ در سیستم فرقه‌ای عراق هستند، سیستمی که توسط ایالات متحده تحمیل شده است. این در حالی است که اختلافات قانون اساسی بین بغداد و اربیل حل نشده باقی مانده است.

عبدالرضا فرجی‌راد در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

توافق جامع ایران و روسیه ادامه توافق ۲۰ ساله قبلی است

توافق ایران و روسیه به دلیل تحریم‌ها مشکل اساسی را حل نمی‌کند

ایران باید در روابط خود با کشورها صرفا بر مبنای منافع خود عمل کند

آرمان ملی- حمید شجاعی: جمعه گذشته بود که رئیس جمهور در صدر هیأتی از وزرا و معاونین به روسیه سفر کرد تا ضمن ملاقات با ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه و مقامات این کشور به امضای توافق جامع میان ایران و روسیه نیز بپردازد. توافقی که به گفته سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه کشورمان ماهیت آن عمدتا اقتصادی است و در همه حوزه‌های اقتصادی از جمله موضوع تجارت، گردشگری، حمل و نقل و... ورود پیدا کرده است. این در حالی است که عده‌ای از تحلیلگران بر این باورند که به جهت تحریم‌های عارض بر ایران و روسیه این دو کشور در حوزه‌های اقتصادی کمتر می‌توانند مراودات اقتصادی و تجاری داشته باشند و این توافق نیز در ادامه همان توافق ۲۰ ساله است که بر مبنای مبادلات نظامی و امنیتی شکل گرفته بود. حال باید دید که ایران و روسیه در عمل چه میزان می‌توانند این مهم را محقق کنند و مولفه‌های درون توافق را محقق کرده و دستاوردهای آن را عملیاتی کنند. البته در این میان مذاکرات ایران با اروپایی‌ها برای رسیدن به توافق با غرب نیز همچنان پیگیری می‌شود و سیاست خارجی متوازن با شرق و غرب در دولت پزشکیان ادامه دارد. برای بررسی توافق جامع ایران و روسیه، دستاوردهای اقتصادی ایران از ظرفیت‌های روسیه و همچنین مذاکرات ایران و غرب «آرمان ملی» با عبدالرضا فرجی‌راد تحلیلگر مسائل بین‌الملل و سفیر ایران در نروژ و مجارستان گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌خوانید.

با توجه به سفر اخیر رئیس جمهور کشورمان به روسیه، دیدار با پوتین و امضای توافق جامع اساسا روابط ایران و روسیه را چگونه تحلیل می‌کنید و این توافق چه میزان می‌تواند در روابط بین دو کشور تاثیرگذار باشد؟

ایران یک توافقنامه ۲۰ ساله با روسیه داشت که دو سه سال هم از آن گذشته بود و همین توافقنامه هم که چند روز پیش امضا شده قرار بود سال گذشته انجام شود، اما چون دولت در ایران تغییر کرد به تعویق افتاد. لذا این توافق دنباله همان توافق ۲۰ سال گذشته است که تمرکز توافقنامه قبلی بیشتر بر تبادلات و مسائل نظامی بود و این توافقنامه که در واقع ریشه‌اش از همان توافقنامه قبل می‌آید، بنیانش همان است و در واقع مقداری جامع‌تر شده و به حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... تسری یافته است. اگر بخواهیم در راستای مساله تحریم روی این توافق بحث کنیم باید گفت که این توافقنامه بین دو کشوری که در تحریم هستند، اما مشکل اساسی را حل نمی‌کند. البته مسائلی مثل تبادلات تجاری مثل خرید تدریجی گاز از روسیه وجود دارد که خوب است، اما اگر فکر می‌کنیم که بتوانیم مشکل جدی را با یک توافق با روسیه یا مثلاً سوئیفت جدیدی که بتواند مثلا از ریال ایران و روبل روسیه در بعضی مواقع مثل گردشگری و غیره استفاده کرد، مشکلی جدی را از جلوی پای کشور بر نمی‌دارد. اما بالاخره ایران و روسیه دو همسایه‌اند و توافقنامه‌ای داشتند که بر اساس آن تبادلات نظامی و خرید اسلحه انجام می‌شد. من فکر می‌کنم تمرکز توافقنامه اخیر بین ایران و روسیه بیشتر بر تبادلات نظامی و اطلاعاتی استوار است. هر چند در آن مسائل اقتصادی، گردشگری و سیاسی اضافه شده است. لذا ما نباید انتظار داشته باشیم ظرف یک یا دو سال مثلا رابطه چهار میلیارد دلاری بین ایران و روسیه هشت یا ده میلیارد دلار شود. همان روند ادامه پیدا می‌کند، اما با توجه به اینکه غرب هم با روسیه درگیر است و هم با ایران به خاطر مسائل هسته‌ای و منطقه درگیر است، تفاهم بیشتری نسبت به گذشته بین ایران و روسیه به وجود آمده که این توافقنامه را جامع می‌کند. البته یک واقعیت این است که روسیه در توافق‌ها یا دوستی با کشورها بر اساس منافع خود حرکت می‌کند. البته همه دنیا اینطور است و روسیه هم همین طور، شاید هم مقداری شدتش بیشتر باشد. وقتی جایی می‌بیند که مثلاً در رابطه با کشورهای حوزه خلیج فارس منافعش بیشتر است، به سمت آن کشورها گرایش پیدا می‌کند. یا مثلا فرض کنید آقای ترامپ ممکن است به روسیه کمک کند که جنگ اوکراین تمام شود و طبیعی است ما نباید انتظار داشته باشیم که وقتی با آمریکا روابط سردی داریم و مشکلات را حل نکرده‌ایم روسیه به خاطر ایران توافق خود با غرب را نادیده بگیرد. بنابراین هر کشوری چه چین باشد و چه روسیه دنبال منافع خودش است. مثلاً ممکن است ترامپ بخواهد با چین معامله کند و چین را تحت فشارش بگذارد تا نفت کمتری از ایران بخرد که همین کار را هم خواهد کرد. بنابراین ما از این توافقنامه نباید انتظار یک نتیجه خارق‌العاده داشته باشیم. نباید تصور کنیم که روابط ایران و روسیه مانند دو کشور خیلی صمیمی و دوست باشد مثل رابطه روسیه و بلاروس. بلاروس وابستگی خاصی به روسیه دارد و نمی‌توان ارتباط این دو کشور را به ارتباط دو کشور دیگر تسری داد. از زاویه دیگری هم می‌توان به روابط بین کشورها نگریست. مثلاً روسیه در حال حاضر به خاطر جنگ اوکراین تحت تحریم است. از طرفی روسیه به کالایی نیاز دارد که به خاطر تحریم‌ها نمی‌تواند به آسانی آنها را تهیه کند و برای تهیه آن کالاها به ترکیه نزدیک شده است. نزدیک شدن به ترکیه موجب شده که گاهی در برابر این کشور کوتاه بیاید. حتی زمانی که ترکیه هواپیمای روسیه را زد کوتاه آمد چون ناچار است و به منافع خود نگاه می‌کند و می‌بیند اگر با ترکیه دچار مشکل شود، طبیعتا برای خرید بسیاری از کالاها که در تحریم است، مشکل خواهد داشت. یا مثلاً بسیاری از محصولات غلاتی که روسیه تولید کننده آنهاست از طریق ترکیه صادر می‌کند و ترک‌ها هم کمک می‌کنند. بنابراین مسائل بین کشورها بر اساس منافع پیش می‌رود و ما هم باید حواسمان باشد بر اساس منافع خودمان پیش برویم. اما اگر توافقنامه‌ای که بین ایران و روسیه امضا شده، تعهد خاصی ایجاد نکند که منافع ملی و امنیت ملی در خطر باشد و استقلال کشور در خطر نباشد، طبیعتا مشکل خاصی ندارد و ما می‌توانیم شبیه همان توافقنامه را با تاجیکستان، عراق، امارات و پاکستان هم ببندیم و با این کشورها همکاری بیشتری داشته باشیم و از این منظر خیلی هم خوب است. به بیان دیگر چون از طرف غربی‌ها تحت تحریم هستیم، به ویژه در زمینه تسلیحات نظامی، نباید این احساس وجود داشته باشد که به ناچار توافقنامه با روس‌ها در تداوم توافق قبلی منعقد شده است.

> وقتی با آمریکا روابط سردی داریم و مشکلات را حل نکرده‌ایم، نباید انتظار داشته باشیم روسیه به خاطر ایران توافق خود با غرب را نادیده بگیرد. هر کشوری دنبال منافع خودش است

اخیرا آقای دکتر عراقچی گفته‌اند که ماهیت معاهده جامع راهبردی بین ایران و روسیه اقتصادی است. از آنجا که ایران و روسیه تحریم هستند، ایران چگونه می‌تواند از ظرفیت‌های اقتصادی روسیه بهره‌مند شود؟

اگر منظور تبادلات تجاری و اقتصادی است در کوتاه‌مدت هیچ فورجه یا راهی برای ایران به آن صورت باز نمی‌شود. حال گفتند که گردشگری می‌تواند از کارت‌های مخصوصی استفاده کند یا سیستم سوئیفتی که بین ایران و روسیه ایجاد شده، تجار می‌توانند راحت‌تر معاملات را انجام دهند. متاسفانه در طول ۴۵ سال گذشته هر دو طرف به ویژه ایران خیلی تلاش کردند که سطح رابط خود را با روسیه با توجه به همسایگی افزایش دهند، اما نتوانستند به سطح معقول و قابل قبول برسانند. در واقع از یک طرف تجار ما خیلی تمایل ندارند و از طرف دیگر ایران برای تجار روس شناخته شده نیست و کالاهایی که مردم روسیه مصرف می‌کنند، کالاهایی بوده که از جاهای دیگر می‌آمده و تنوع داشته یا مذاق و طبع آنها عادت کرده بوده و الان هم که طی سه سال جنگ انواع مختلف کالاهای ترک بازار روسیه را پرکرده و خیلی سخت است که تجار ایرانی بخواهند با توجه به سیستم غیر حرفه‌ای خود، بر بازار روسیه مسلط شوند. از سمت دیگر باید یادآوری کرد که کالاهای روسیه در ایران چندان مطلوب نیست. الان چند سال است که می‌خواهند اتومبیل‌های روسی را به ایران بیاورند اما اقدامی صورت نگرفته است. البته مقداری از آن مربوط به تحریم‌ها و مقداری به بازار فروش مربوط است. بنابراین همین که توافقی بین ایران و روسیه به امضا رسید، گفته شد که تحولی صورت می‌گیرد و هنوز از این تحول خبری نیست. البته از زمانی که هر دو کشور تحریم شدند، اگر از چهار میلیارد دلار، دو میلیارد دلار برای بخش نظامی باشد، از دو میلیارد، شاید بتوان گفت که مثلاً یک میلیارد دلار اضافه شده و در این چند سال به سمت جلو حرکت کرده‌اند، اما در مجموع سطح مبادلات تجاری بین دو کشور تقریبا با سطح مبادلات تجاری ایران و افغانستان هم سطح است. البته روسیه کجا و افغانستان کجا... برای ایجاد تحول مثبت باید یک اراده جدی وجود داشته باشد، یا با این توافقنامه به وجود بیاید که دو کشور بتوانند فعالیت خود را بیشتر کنند. باید صبر کرد که این توافقنامه از نظر تجاری چگونه جواب می‌دهد. با همه اینها تجربه نشان داده که بخش نظامی نسبت به بخش‌های دیگر با سرعت بیشتر و بهتری کار می‌کند.

> غرب هم با روسیه و هم با ایران به خاطر مسائل هسته‌ای و منطقه درگیر است و از این رو تفاهم بیشتری بین ایران و روسیه به وجود آمده که توافقنامه بین دو کشور را جامع می‌کند

سازوکارهایی مثل بریکس، شانگهای و اوراسیا چه میزان می‌تواند در این مناسبات اقتصادی تاثیر داشته باشد؟

البته هنوز چهارچوب تبادلات مالی بریکس حل نشده است. یعنی اینکه یک ارز جدید در مقابل دلار ایجاد شود و بعدها روس‌ها و چینی‌ها به ویژه از زمانی که ترامپ آمده گفتند که ما نمی‌خواهیم دلار را تضعیف کنیم. از طرف دیگر شانگهای در اصل یک سازمان ضد تروریستی است و اقتصادی نیست. هرچند که قرار است در کنار این فعالیت‌ها فعالیت‌های اقتصادی هم صورت گیرد. خوب است که ایران عضو شانگهای و بریکس است، اما هنوز این نهادها و سازمان‌ها به مرحله‌ای نرسیدند که مثلا مثل سازمان آ. سه. آن، اتحادیه اروپا یا حتی مثل شورای همکاری خلیج فارس فعلا تسهیلاتی برای این کشورها قائل شوند که کشورهایی که حتی در تحریم هستند بتوانند از فرصت‌های ایجاد شده استفاده کنند. لذا هنوز این شرایط در این سازمان‌های نوظهور ایجاد نشده و شاید در آینده به ویژه در رابطه با بریکس انجام شود. اما من فکر می‌کنم امر بسیار زمان‌بری است و ایران و روسیه اگر بخواهند کاری کنند، در قالب توافقنامه دوجانبه بهتر می‌توانند کاری از پیش ببرند.

پیش از سفر آقای پزشکیان به تاجیکستان و روسیه هفته گذشته شاهد بودیم که هیأت ایرانی برای دومین بار برای مذاکرات با تروئیکای اروپایی عازم ژنو شد و این مساله مطرح شد که دولت در حال پیشبرد سیاست خارجی بر مبنای سیاست متوازن است. یعنی از یک طرف مذاکره با غربی‌ها را دنبال می‌کند و از طرف دیگر با روسیه و چین توافقات خود را پیش می‌برد، اساسا این سیاست متوازن را چطور می‌بینید؟

به نظر من با روسیه و چین که ایران مصمم است که کار خود را ادامه دهد و اگر تحریم برداشته شد بیشتر کار کند. در رابطه با غرب هم چه اروپا چه آمریکا آقای پزشکیان در همان کارزار انتخاباتی خود اعلام کرد که می‌خواهیم توازنی بین شرق و غرب ایجاد کنیم. سیاست ایران هم از ابتدای سیاست مستقلی اعلام شده است. بعد از که آقای پزشکیان سر کار آمد اعلام کرد که آماده گفت‌وگو با اروپا هستیم و هرچند با تاخیر شد حالا معلوم نیست تاخیر از سوی اروپایی‌ها بوده یا تحت دستور ایرانی‌ها اما دو دور مذاکره در ژنو انجام شد. در دور اول گفتند که بیشتر جنبه ارزیابی دارد و دور دوم هم گفتند صرفا مسائل هسته‌ای... البته در دور اول اعلام شد که مسائل گوناگون منطقه‌ای، حقوق بشر و هسته‌ای هم بررسی می‌شود. اروپایی‌ها روی مسائل روسیه و مسائل موشکی هم انگشت گذاشتند اما ایران اعلام کرد در رابطه با مسائل موشکی صحبتی نمی‌کنیم. حالا طرف ایرانی علاقه‌مند است و اخیرا اعلام کرده که فقط در مورد مسائل هسته‌ای گفت‌وگو می‌کنیم. البته این گفت‌وگوها ادامه دارد و باید ببینیم خواسته آنها چیست و آیا می‌خواهند بر معیار برجام صحبت کنند یا با توجه به تحولاتی که در منطقه ایجاد شده خواسته بیشتری دارند. آمریکا هم نظاره می‌کند که بین اروپا و ایران در این دو سه جلسه چه چیزایی تبادل شده و اروپا چه خواسته و ایران چه خواسته و می‌خواهد چه بدهد. لذا حتما بین اروپا و آمریکا تماس‌هایی هست که در واقع آمریکا بداند که چه چیزهایی بین ایران اروپا مطرح شده که بخواهد معیارهای خود را در رابطه با گفت‌وگو با ایران تنظیم کند. الان هنوز ما نه از طرف ایران و نه از طرف اروپایی چیزی نشنیده‌ایم که طرف ایرانی چه خواسته‌ای دارد و یا طرف اروپایی چه خواسته‌ای دارد. احساسم از صحبت‌هایی که مقامات مطرح کردند این است که طرف ایرانی اخیرا بیشتر به سمت برجام، البته نه اینکه دقیقا برجام اجرا شود، اما طرف ایرانی تمایل دارد که مبنا و پایه گفت‌وگوی آینده، چهارچوب برجام باشد و تغییراتی در آن انجام شود. حال باید یک دور دیگر مذاکره صورت بگیرد تا ما مقداری اطلاعات بیشتری کسب کنیم.

ذره بین

از رگبار تا ترور با بمب آتش‌زا

ترورهای هدفمند

صبح شنبه گذشته قاضی محمد مقیسه رئیس شعبه و دادرس دیوان عالی کشور و علی رازینی دادستان پیشین انقلاب در محل کاخ دادگستری تهران با کلت کمری هدف ترور قرار گرفتند و چنانکه منابع رسمی قوه قضائیه تایید کرده‌اند ضارب پیش از دستگیری، خودکشی کرده است. بر اساس آخرین اخبار منتشر شده، گفته می‌شود این ترور توسط یکی از کارمندان خدماتی مجموعه کاخ دادگستری انجام شده است. خبرگزاری میزان وابسته به قوه قضائیه در این رابطه نوشت: «فرد مسلحی نفوذی در دیوان عالی کشور در اقدامی برنامه‌ریزی شده اقدام به ترور دو قاضی شجاع و پرسابقه در مبارزه با جرایم علیه امنیت ملی، جواسیس و تروریسم کرد.» ترور هدفمند قضات در جمهوری اسلامی از ابتدای انقلاب تاکنون همواره به شکل و شیوه‌های مختلف وجود داشته است، که البته مسئولیت بیشتر این ترورها را سازمان تروریستی مجاهدین خلق بر عهده گرفته است. حسام‌الدین آشنا معاون حسن روحانی در دولت یازدهم و دوازدهم، پس از این اتفاق در توییتی نوشت: «از دهه شصت تاکنون خطر سازمان منافقین از هر زمان بیشتر است.» در ادامه به چند ترور که متوجه قضات بوده، اشاره شده است.

از بهشتی تا لاجوردی

آیت‌ا... محمد بهشتی که ریاست دیوان عالی کشور و دبیرکلی حزب جمهوری اسلامی را بر عهده داشت، در هفتم تیر ۱۳۶۰ به همراه ۷۲ نفر از همراهانش حین سخنرانی در دفتر حزب جمهوری اسلامی ترور شد و به شهادت رسید. این رویداد از وقایع مهم سیاسی دهه ۱۳۶۰ بود که توسط سازمان مجاهدین خلق طراحی و اجرا شد. بعدا مشخص شد عامل انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، محمدرضا کلاهی، از اعضای رده پائین سازمان منافقین و نفوذی سازمان در حزب جمهوری اسلامی بوده است. آیت‌ا... علی قدوسی از دیگر قضاتی بود که در ترورهای هدفمند دهه ۶۰، به شهادت رسید. قدوسی دادستان کل انقلاب اسلامی بود که در ۱۴ شهریور ۱۳۶۰ در دفتر دادستانی بر اثر انفجار یک بمب آتش‌زا شهید شد. اسدا... لاجوردی، دادستان انقلاب تهران از دیگر چهره‌های شاخص دستگاه قضائی است که در دهه ۱۳۷۰ ترور و به شهادت رسید. او پس از بازنشستگی از قوه قضائیه در محل مغازه شخصی خود در بازار تهران توسط دو نفر از اعضای سازمان مجاهدین خلق «علی‌اکبر اکبری ده‌بالایی و علی‌اصغر غضنفرنژاد جلودار» ترور شد. این دو نفر بعد از ترور، دستگیر و پس از محاکمه در دادگاه، اعدام شدند. لاجوردی از اعضای حزب موتلفه اسلامی و در ابتدای انقلاب از مسئولان انتظامات کمیته استقبال از امام خمینی بود. وی در جریان رسیدگی به پرونده گروه فرقان، با پیشنهاد آیت‌ا... سیدمحمد بهشتی و آیت‌ا... علی قدوسی به عنوان دادستان انقلاب تهران انتخاب شده بود اما در زمان ترور مسئولیت قضائی نداشت. حسن احمدی مقدس مشهور به قاضی مقدس معاون دادستان تهران و قاضی دادگاه انقلاب اسلامی تهران بود که در دهه ۸۰ به ضرب گلوله مجید کاووسی‌فر و برادرزاده او کشته شد. او در ۱۱ مرداد ۱۳۸۴، پس از پایان ساعت کاری در مجتمع قضائی ارشاد، در حال رانندگی توسط مجید کاووسی‌فر به همدستی برادرزاده‌اش حسین کاووسی‌فر مورد اصابت گلوله قرار گرفت. حسین و مجید کاووسی در سال ۱۳۸۶ و در سالروز مرگ قاضی مقدس در محل ترور اعدام شدند. از پرونده‌های سیاسی قضاوت شده توسط قاضی مقدس، می‌توان به پرونده اکبر گنجی اشاره کرد که در نهایت وی را به پانزده سال حبس و تبعید به بشاگرد محکوم کرد. قاضی مقدس همچنین پرونده روزنامه‌های جامعه و توس و روزنامه نگارانی مانند سیدابراهیم نبوی را قضاوت کره بود.

فانی، مقیسه و رازینی

مهدی فانی خلیل‌آباد، از دیگر قضاتی است که مورد حمله و سو قصد قرار گرفته است. در سال ۱۴۰۱ از طرف افراد مسلح به خودروی او تیراندازی شد ولی آسیبی به این قاضی دادسرای سراوانی وارد نشد. قاضی مقیسه در پی تیراندازی با سلاح گرم، در کاخ دادگستری به شهادت رسید. ضارب پیش از دستگیری، اقدام به خودکشی کرد. قاضی مقیسه متولد ۱۳۳۵ و رئیس شعبه و دادرس دیوان عالی کشور بود که مسئولیت محاکمه بسیاری از زندانیان سیاسی و امنیتی را از سال ۱۳۸۸ تا رخدادهای پاییز ۱۴۰۱ برعهده داشت. علاوه بر این او در دهه ۶۰ نیز دادیار بود و در سال ۱۳۶۴ به عنوان ناظر زندان قزل حصار منصوب شد. پرونده رهبران بهائی معروف به محفل یاران، اعضای جبهه ملی، پرونده معترضان به انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ از جمله پرونده ابوالفضل قدیانی، مصطفی تاجزاده و بهاره هدایت از جمله پرونده‌هایی هستند که مقیسه مسئول رسیدگی به آن بوده است. علی رازینی رئیس شعبه ۴۱ دیوان عالی کشور که پیش از این دادستان انقلاب تهران نیز بود، به همراه قاضی مقیسه هدف ترور قرار گرفت و به شهادت رسید. او سابقه دادستانی انقلاب تهران، ریاست سازمان قضائی نیروهای مسلح، ریاست کل دادگستری استان تهران و ریاست دیوان عدالت اداری را در کارنامه خود دارد. رازینی رئیس دادگاه ویژه روحانیت از ۱۳۶۶ تا ۱۳۹۱ و معاون حقوقی رئیس قوه قضائیه نیز بوده است. سازمان منافقین مدعی است که علی رازینی از چهره‌های اصلی در دادگاه‌های تابستان سال ۱۳۶۷ بوده است.